



مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی  
دانشگاه علوم پزشکی تهران

موزه ملی تاریخ علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران



دانشگاه علوم پزشکی  
و خدمات بهداشتی درمانی تهران  
دانشکده طب سنتی

# خلاصة التجارب

جلد اول

اثر بهاءالدوله رازی

تحقیق، تصحیح و بازنویسی:

محمدرضا شمس اردکانی

عبدالعلی محقق زاده

پویا فریدی

زهره ابوالحسن زاده

مقدمه:

استاد دکتر علی اکبر ولایتی

|                      |                                                                                                                    |
|----------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| عنوان و نام پدید آور | : خلاصه التجارب/اثر بهالدوله رازی، تحقیق تصحیح و تحشیه: محمدرضا شمس اردکانی {و دیگران}؛ مقدمه دکتر علی اکبر ولایتی |
| مشخصات نشر: تهران    | : صهبای دانش: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، ۱۳۸۸                                                |
| شابک                 | : ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۱۹۴-۲-۴                                                                                                |
| وضعیت فهرسنویسی      | : فیا                                                                                                              |
| یادداشت              | : محمد رضا شمس اردکانی، پویا فریدی-زهره ابوالحسن زاده، عبدالعلی محقق زاده                                          |
| موضوع                | : پزشکی-متون قدیمی تا قرن ۱۴                                                                                       |
| شناسه افزوده         | : شمس اردکانی محمدرضا ۱۳۳۹                                                                                         |
| شناسه افزوده         | : دانشگاه علوم پزشکی تهران و خدمات بهداشتی درمانی تهران                                                            |
| شناسه افزوده         | : ولایتی علی اکبر ۱۳۲۴                                                                                             |
| رده بندی کنگره       | : ۱۳۸۸ خ ۸ ن/۵/۱۲۷                                                                                                 |
| رده بندی دیویی       | : ۶۱۰                                                                                                              |
| شماره کتابشناسی ملی  | : ۱۷۹۴۸۲۶                                                                                                          |

نام کتاب: خلاصه التجارب

نویسنده: بهالدوله رازی

تحقیق تصحیح و تحشیه: محمدرضا شمس اردکانی- عبدالعلی محقق زاده- پویا فریدی- زهره ابوالحسن زاده

ناشر: صهبای دانش با همکاری دانشگاه علوم پزشکی تهران

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸

قیمت: ۱۱۰۰۰ ریال

تیراژ: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۱۹۴-۲-۴

---

# فهرست

مقدمه ..... ۱۷

مقدمه تصحیح کنندگان ..... ۲۳

مقدمه ..... ۳۳

خلاصه التجارب ..... ۳۴

## باب اول

در بیان آنچه دانستن آن موقوف علیه حفظ صحت و رفع مرض هست ..... ۳۷

طبیعت ..... ۳۸

مزاج ..... ۳۸

علامات ثانیه امزجه طبیعه حاصله ..... ۳۹

تغییر و تبدیل المزاج ..... ۴۰

اخلاط اربعه ..... ۴۱

خون طبیعی ..... ۴۲

خون ناطیعی ..... ۴۳

بلغم طبیعی ..... ۴۳

بلغم ناطیعی ..... ۴۳

صفرای طبیعی ..... ۴۵

صفرای ناطیعی ..... ۴۵

سودای طبیعی ..... ۴۵

|    |                                    |
|----|------------------------------------|
| ٤٦ | سودای ناطیعی                       |
| ٤٧ | اعضای مفرده و بعضی از مرکبات اولیه |
| ٤٧ | استخوان                            |
| ٤٨ | غضروف                              |
| ٤٩ | رباط                               |
| ٤٩ | عصب                                |
| ٥٠ | عضله                               |
| ٥١ | وتر                                |
| ٥١ | غشاء                               |
| ٥١ | گوشت                               |
| ٥٢ | لحم                                |
| ٥٢ | پیه                                |
| ٥٢ | شرحہ                               |
| ٥٢ | ورید و عروق                        |
| ٥٣ | شریان                              |
| ٥٤ | پوست                               |
| ٥٤ | ارواح                              |
| ٥٥ | قوا                                |
| ٥٥ | قوت طبیعیه                         |
| ٥٥ | قوت حیوانیه                        |
| ٥٦ | قوت نفسانیه                        |
| ٥٧ | افعال طبیعیه                       |
| ٥٧ | اسباب حدوث کیفیات در بدن           |
| ٥٧ | سبب ها که تن را گرم کند            |
| ٥٧ | سبب ها که تن را سرد کند            |
| ٥٧ | سبب ها که تری فزاید                |
| ٥٧ | سبب ها که خشکی فزاید               |
| ٥٩ | دلالت حالات نبض بر حالات بدن       |
| ٥٩ | حالات کلیه نبض                     |
| ٦٩ | حکم نبض در امتزاجات                |



|    |                               |
|----|-------------------------------|
| ۶۹ | دلالت حالات نفس بر حالات بدن  |
| ۶۹ | دلالت حالات بول بر حالات بدن  |
| ۷۱ | حالات کلیه بول                |
| ۷۸ | دلالت حالات براز بر حالات بدن |
| ۸۰ | دلالت حالات عرق بر حالات بدن  |
| ۸۱ | حالات کلیه عرق                |

### باب دوم

|     |                                              |
|-----|----------------------------------------------|
| ۸۳  | در بیان حفظ الصحة                            |
| ۸۷  | تدابیر حرکت و سکون                           |
| ۸۹  | هواى خوب                                     |
| ۹۰  | آب گوارنده خوش                               |
| ۹۳  | غذای پر قوت                                  |
| ۹۶  | دواى مقوى                                    |
| ۹۷  | خواب و بیدارى                                |
| ۹۸  | حرکات و سکناات بدن و قواى نفسانى             |
| ۱۰۰ | دفع و رفع فضلات داخله و خارجه تن و حبس آن ها |

### باب سوم

|     |                                                                                                 |
|-----|-------------------------------------------------------------------------------------------------|
|     | در بیان تدبیر اطفال و پیران و ناقهان و مرتاضان به تعب و اعراض مفرطه نفسانى و آب های بد و هواهای |
| ۱۰۵ | مضر و استفراغات                                                                                 |
| ۱۰۷ | تدبیر اطفال و کودکان                                                                            |
| ۱۱۲ | ام الصبيان                                                                                      |
| ۱۱۳ | عطسه متواتر                                                                                     |
| ۱۱۴ | تشنگی سرسام                                                                                     |
| ۱۱۴ | تشنج و کزاز                                                                                     |
| ۱۱۵ | بی خوابی و بدخویى                                                                               |
| ۱۱۵ | ترسیدن در خواب                                                                                  |
| ۱۱۵ | ترسیدن از چیزها در بیدارى                                                                       |
| ۱۱۶ | کبودی چشم                                                                                       |

|    |                               |
|----|-------------------------------|
| ۶۹ | دلالت حالات نفس بر حالات بدن  |
| ۶۹ | دلالت حالات بول بر حالات بدن  |
| ۷۱ | حالات کلیه بول                |
| ۷۸ | دلالت حالات براز بر حالات بدن |
| ۸۰ | دلالت حالات عرق بر حالات بدن  |
| ۸۱ | حالات کلیه عرق                |

## باب دوم

|     |                                              |
|-----|----------------------------------------------|
| ۸۳  | در بیان حفظ الصحة ..                         |
| ۸۷  | تدابیر حرکت و السکون ..                      |
| ۸۹  | هوای خوب                                     |
| ۹۰  | آب گوارنده خوش                               |
| ۹۳  | غذای پرقوت                                   |
| ۹۶  | دوای مقوی                                    |
| ۹۷  | خواب و بیداری                                |
| ۹۸  | حرکات و سکنتا بدنی و قوای نفسانی             |
| ۱۰۰ | دفع و رفع فضلات داخله و خارجه تن و حبس آن ها |

## باب سوم

|                                                                                                 |                           |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------|
| در بیان تدبیر اطفال و پیران و ناقهان و مرتاضان به تعب و اعراض مفرطه نفسانی و آب های بد و هواهای |                           |
| ۱۰۵                                                                                             | مضر و استفراغات           |
| ۱۰۷                                                                                             | تدبیر اطفال و کودکان      |
| ۱۱۲                                                                                             | ام الصبیان                |
| ۱۱۳                                                                                             | عطسه متواتر               |
| ۱۱۴                                                                                             | تشنگی سرسام               |
| ۱۱۴                                                                                             | تشنج و کزاز               |
| ۱۱۵                                                                                             | بی خوابی و بدخویی         |
| ۱۱۵                                                                                             | ترسیدن در خواب            |
| ۱۱۵                                                                                             | ترسیدن از چیزها در بیداری |
| ۱۱۶                                                                                             | کبودی چشم                 |

- ۱۱۶..... سطربری پلک چشم و سفیدی که بر حدقه افتد
- ۱۱۶..... به هم چسپیدن پلک ها
- ۱۱۶..... درد چشم
- ۱۱۷..... آب رفتن از چشم بی دردی و بی افتادن چیزی در وی
- ۱۱۷..... بیرون خاستن خانه چشم
- ۱۱۷..... ماندن چیزی در بینی
- ۱۱۸..... درد گوش
- ۱۱۸..... پالودن پلیدی از گوش
- ۱۱۹..... ورم لثه
- ۱۱۹..... آماس گوشت بن دندان
- ۱۱۹..... دمیدگی دهان
- ۱۲۰..... ورم حلق
- ۱۲۰..... ورم ملازه و لوزتین
- ۱۲۰..... استرخاء ملازه و لوزتین
- ۱۲۱..... زکام
- ۱۲۱..... سرفه
- ۱۲۲..... خرخر و تنگی نفس
- ۱۲۳..... فواق
- ۱۲۳..... قی مفرط
- ۱۲۴..... فسرده شدن شیر در معده
- ۱۲۴..... ضعف معده
- ۱۲۵..... قبض شکم بلا حررات
- ۱۲۵..... اسهال
- ۱۲۷..... زحیر
- ۱۲۸..... مغض
- ۱۲۹..... پیچیدن ناف
- ۱۲۹..... بیرون خاستن ناف
- ۱۲۹..... فتق
- ۱۳۰..... حرقه البول
- ۱۳۰..... بول کردن در جامه خواب

|     |                                                    |
|-----|----------------------------------------------------|
| ۱۳۱ | ..... دشوار برآمدن بول                             |
| ۱۳۲ | ..... کرم معده                                     |
| ۱۳۲ | ..... باز گردیدن مقعد                              |
| ۱۳۲ | ..... ثللول                                        |
| ۱۳۳ | ..... بثرها و ریش تن                               |
| ۱۳۴ | ..... ریش کش ران و زیر بغل و بن گوش و چین های گردن |
| ۱۳۴ | ..... تب لازم                                      |
| ۱۳۶ | ..... تب نوبه                                      |
| ۱۳۸ | ..... تدبیر پیران                                  |
| ۱۳۹ | ..... تدبیر ناقهان                                 |
| ۱۴۱ | ..... تدبیر مرتاضان به تعب و رنج                   |
| ۱۴۲ | ..... مرتاضان بحر                                  |
| ۱۴۲ | ..... قروچی                                        |
| ۱۴۳ | ..... تمددی                                        |
| ۱۴۳ | ..... ورمی                                         |
| ۱۴۳ | ..... قشقی                                         |
| ۱۴۶ | ..... تدابیر امراض مفرط نفسانی                     |
| ۱۴۷ | ..... تدبیر آب های بد                              |
| ۱۴۸ | ..... اصلاح آب های بد                              |
| ۱۴۹ | ..... تدبیر هوای مضر                               |
| ۱۴۹ | ..... تدبیر گرمی هوا                               |
| ۱۵۰ | ..... تدبیر خنکی هوا                               |
| ۱۵۰ | ..... تدبیر تری هوا                                |
| ۱۵۰ | ..... تدبیر خشکی هوا                               |
| ۱۵۰ | ..... تدبیر هوای به غایت نمناک                     |
| ۱۵۰ | ..... تدبیر هوای متن                               |
| ۱۵۱ | ..... تدبیر هوای مسموم                             |
| ۱۵۱ | ..... تدبیر هوای وبایی                             |
| ۱۵۳ | ..... تدبیر استفراغات                              |
| ۱۵۳ | ..... قی                                           |



- فصد ..... ۱۵۵
- تدارک خطای فصد ..... ۱۵۹
- حجامت ..... ۱۶۰
- افکندن علق ..... ۱۶۱
- شرط اذن ..... ۱۶۲
- راندن نفاس و طمٹ ..... ۱۶۲
- رعاف پدید آوردن ..... ۱۶۲
- استعمال مسهل و ملین ..... ۱۶۳
- تدارک وحشت های مسهلات و ملینات ..... ۱۶۶
- استعمال شیاف ..... ۱۶۸
- احتقان ..... ۱۶۹
- طلا کردن چیزی بر شکم ..... ۱۷۰
- ادرار و تفریق و آوردن مخاط و لعاب ..... ۱۷۰

### باب چهارم

- در بیان تدابیر آنچه به زینت بدن متعلق است ..... ۱۷۱
- اما تدبیر حفظ موی از سفید شدن ..... ۱۷۲
- تدبیر موی روی کسی که به وقت بر نمی آید و یا دیر و یا کم بر آید ..... ۱۷۳
- تدبیر رفع کوتاهی موی و کمی و باریکی آن ..... ۱۷۴
- تدبیر رفع اصلعی ..... ۱۷۵
- تدبیر رفع داء الثعلب ..... ۱۷۵
- تدبیر رفع جعد موی ..... ۱۷۶
- تدبیر رفع سبیطی موی ..... ۱۷۶
- تدبیر رفع تشقق و شکست موی ..... ۱۷۷
- تدبیر رفع سطبری موی ..... ۱۷۷
- تدبیر رفع موی ..... ۱۷۷
- تدبیر منع موی ..... ۱۷۷
- تدبیر رنگ کردن موی سفید ..... ۱۷۸
- تدبیر رفع بی رونقی رنگ بشره ..... ۱۷۸
- تدبیر رفع طرکیدن و درشتی بشره ..... ۱۸۰

- تدبیر رفع باد شنام ..... ۱۸۰
- تدبیر رفع لک های روی ..... ۱۸۰
- تدبیر رفع اثر ضرب و ریش و نقوش آبله و غیره ..... ۱۸۱
- تدبیر رفع خون که در شیب پوست مرده شده ..... ۱۸۱
- تدبیر رفع بهق و برص ..... ۱۸۲
- تدبیر رفع صنان ..... ۱۸۴
- تدبیر رفع گند عرق ..... ۱۸۴
- تدبیر رفع گند پای ..... ۱۸۵
- تدبیر رفع گند ریش ..... ۱۸۵
- تدبیر رفع شپش غلبه و شش پای ..... ۱۸۵
- تدبیر رفع ترکیدگی پاشنه و انگشتان و پشت دست و پای ..... ۱۸۶
- تدبیر رفع ریشه شدن بیخ ناخن ها ..... ۱۸۷
- تدبیر رفع کوفتگی انگشتان از زمین و غیره ..... ۱۸۷
- تدبیر رفع گودی ناخن و ترکیدگی آن ..... ۱۸۷
- تدبیر رفع برص ناخن ..... ۱۸۷
- تدبیر رفع زردی و سفیدی ناخن ..... ۱۸۷
- تدبیر رفع داخس ..... ۱۸۸
- تدبیر رفع ناخن معیوب ..... ۱۸۸
- تدبیر رفع زردی و سیاهی ظاهر دندان ها ..... ۱۸۸
- تدبیر رفع لاغری مفرط ..... ۱۸۹
- تدبیر رفع فربهی مفرط ..... ۱۹۰

### باب پنجم

در بیان اقسام مرض و امتلاءات مندره به امراض و علامات خیر و شر که اکثر آن ها عمومی در امراض دارند و احوال و ایام بحران و انداز و واقع فی الوسط و نضج و منفعتشان و علامات نکس و سبب موت در مرض و اوقات آن و فجات بی مرضی و وصایا در طریق مراعات مرضی از روی کلیه و اصلی چند قیاس با مقتضیات

- طبایع ..... ۱۹۱
- اقسام مرض ..... ۱۹۲
- امتلاءات منذر بالمرض ..... ۱۹۲
- علامت مطلق امتلاء ..... ۱۹۳

|     |                                          |
|-----|------------------------------------------|
| ۱۹۳ | علامت خیر و شر                           |
| ۲۰۴ | احوال بحرآن ها                           |
| ۲۰۵ | علامت حدوث رعاف                          |
| ۲۰۵ | علامت حدوث اسهال                         |
| ۲۰۵ | علامت حدوث قی                            |
| ۲۰۶ | علامت حدوث ادرار                         |
| ۲۰۶ | علامت حدوث عرق                           |
| ۲۰۶ | علامت گشادن خون بواسیر                   |
| ۲۰۶ | علامت گشادن خون حیض                      |
| ۲۰۶ | علامت انتقال قوت                         |
| ۲۰۹ | بحران انتقالی                            |
| ۲۰۹ | ایام بحرآن و انذار و واقع فی الوسط       |
| ۲۱۲ | نضج و منفعت آن                           |
| ۲۱۲ | علامت نکس                                |
| ۲۱۳ | سبب موت در مرض و اوقات آن و فجاءه بی مرض |
| ۲۱۹ | اصلی چند در قیاس با مقتضیات طبایع        |

### باب ششم

|     |                                                |
|-----|------------------------------------------------|
| ۲۲۱ | در بیان حمیات و اسباب و علامات و معالجات آن ها |
| ۲۲۳ | حمی یوم                                        |
| ۲۲۳ | حمی یوم غمی                                    |
| ۲۲۴ | حمی یوم فزعی                                   |
| ۲۲۴ | حمی یوم همی                                    |
| ۲۲۴ | حمی یوم فکری                                   |
| ۲۲۴ | حمی یوم غضبی                                   |
| ۲۲۵ | حمی یوم فرحی                                   |
| ۲۲۵ | حمی یوم سهری                                   |
| ۲۲۵ | حمی یوم نومی و راحتی                           |
| ۲۲۵ | حمی یوم تعبی                                   |
| ۲۲۶ | حمی یوم استفراغی                               |

|          |                           |
|----------|---------------------------|
| ۲۲۶..... | حمى يوم وجعى              |
| ۲۲۶..... | حمى يوم غشى               |
| ۲۲۷..... | حمى يوم جوعى              |
| ۲۲۷..... | حمى يوم عطشى              |
| ۲۲۷..... | حمى يوم سدى               |
| ۲۲۹..... | حمى يوم تخمى              |
| ۲۳۰..... | حمى يوم ورمى              |
| ۲۳۰..... | حمى يوم قشفى              |
| ۲۳۱..... | حمى يوم استحسافى          |
| ۲۳۱..... | حمى يوم حرى               |
| ۲۳۲..... | حمى يوم غذائى             |
| ۲۳۳..... | حمى يوم شربى              |
| ۲۳۴..... | حمى دق                    |
| ۲۴۱..... | حمى خلط                   |
| ۲۴۲..... | حميات دموى                |
| ۲۴۳..... | حمى مطبقة                 |
| ۲۴۳..... | حميات صفراوى              |
| ۲۴۴..... | حميات بلغمى               |
| ۲۴۴..... | حميات سوداوى              |
| ۲۴۴..... | حميات مركبه مطلقا         |
| ۲۴۵..... | بيان معالجات و علامات حمى |
| ۲۴۵..... | سونوخس                    |
| ۲۴۷..... | مطبقة                     |
| ۲۴۹..... | غب لازم                   |
| ۲۵۰..... | محرقة صفراوى              |
| ۲۵۵..... | غب خالصه                  |
| ۲۵۸..... | غب غير خالص               |
| ۲۶۳..... | اقسون هاى تب بند          |
| ۲۶۴..... | محرقة بلغمى               |
| ۲۶۵..... | حمى لثقه                  |

|          |                                                    |
|----------|----------------------------------------------------|
| ۲۶۶..... | حمى مواظبه .....                                   |
| ۲۶۸..... | حمى غشى خلطى .....                                 |
| ۲۶۹..... | حمى نهارى .....                                    |
| ۲۶۹..... | حمى ليلى .....                                     |
| ۲۷۰..... | حمى ظاهر الحر .....                                |
| ۲۷۰..... | حمى ظاهر البرد .....                               |
| ۲۷۰..... | تب ربعى .....                                      |
| ۲۷۳..... | تب خمس و سدس و سبع و تسع .....                     |
| ۲۷۴..... | شطر الغب .....                                     |
| ۲۷۵..... | مركب از غبين نايين و از سه ربع و از چهار خمس ..... |
| ۲۷۶..... | مركب از اربعين .....                               |
| ۲۷۶..... | مركب از خمسين .....                                |
| ۲۷۶..... | مركب از سه خمس .....                               |
| ۲۷۶..... | مركب از حمى دق و حمى خلط .....                     |
| ۲۷۶..... | مركب از غب لازمه .....                             |
| ۲۷۶..... | حمى عفونى وبائى .....                              |

### باب هفتم

|                                                                                                                                                                                                                                                          |                 |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------|
| در بيان حصبه و جدري و ساير بثرها و ورم ها و جذام و سرمازدگى و سموم زدگى و کوفتگى و قوباء و قرحه ها و سوختگى ها و عرق مدنى و ريش بلخى و جراحت ها و بيرون رفتن سر استخوان ها از محل خویش و شکستگی استخوان ها و اسباب و علامات و معالجات اين امراض..... ۲۷۹ |                 |
| ۲۸۰.....                                                                                                                                                                                                                                                 | حصبه .....      |
| ۲۸۳.....                                                                                                                                                                                                                                                 | جدري .....      |
| ۲۸۷.....                                                                                                                                                                                                                                                 | حميقا .....     |
| ۲۸۷.....                                                                                                                                                                                                                                                 | ساير بثره ..... |
| ۲۸۸.....                                                                                                                                                                                                                                                 | جمره .....      |
| ۲۸۹.....                                                                                                                                                                                                                                                 | نمله .....      |
| ۲۹۰.....                                                                                                                                                                                                                                                 | شرى .....       |
| ۲۹۱.....                                                                                                                                                                                                                                                 | سغه .....       |
| ۲۹۳.....                                                                                                                                                                                                                                                 | حصف .....       |

|     |               |
|-----|---------------|
| ٢٩٣ | بنات الليل    |
| ٢٩٤ | بطم           |
| ٢٩٤ | جرب           |
| ٢٩٤ | ثولول         |
| ٢٩٧ | مسماريه       |
| ٢٩٧ | نفاخه         |
| ٢٩٧ | نفاطه         |
| ٢٩٨ | ارمنى دانه    |
| ٣٠١ | ورم ها        |
| ٣٠١ | انواع آماس ها |
| ٣٠١ | فلغمونى       |
| ٣٠٤ | خراج          |
| ٣٠٧ | دمل           |
| ٣٠٨ | طاعون         |
| ٣٠٨ | خيارك         |
| ٣٠٩ | حمره          |
| ٣١٠ | ماشرا         |
| ٣١٠ | سلعه          |
| ٣١١ | غدد           |
| ٣١٢ | اوديما        |
| ٣١٢ | خنازير        |
| ٣١٤ | سرطان         |
| ٣١٥ | سقيروس        |
| ٣١٥ | كهير          |
| ٣١٦ | نفخه          |
| ٣١٦ | تهيج          |
| ٣١٧ | استسقاء       |
| ٣١٧ | جذام          |
| ٣١٩ | سرمازدگى      |
| ٣٢٠ | سموم زدگى     |

- ٣٢٠ ..... کوفتگی
- ٣٢١ ..... قوباء
- ٣٢٢ ..... قرحه ها
- ٣٢٦ ..... سوختگی ها
- ٣٢٧ ..... عرق مدنی
- ٣٢٨ ..... ریش بلخی
- ٣٢٨ ..... جراحی ها
- ٣٣٥ ..... بیرون رفتن سر استخوان ها از محل خودش
- ٣٤٠ ..... شکستگی استخوان ها
- ٣٤١ ..... دستور العلاج هر شکستگی
- ٣٤٧ ..... واژه نامه
- ٣٦٣ ..... واژه یاب

# مقدمه



دوره زندگی بهاءالدوله رازی، مؤلف کتاب خلاصه التجارب دوره پرکشاکش و البته مهمی از تاریخ ایران است. با توجه به همین اهمیت لازم است پیش از پرداختن به زندگی بهاءالدوله رازی و بررسی کتاب خلاصه التجارب، نگاهی به این دوره از تاریخ ایران (یعنی سالهای ابتدایی قرن دهم هجری قمری) بیاندازیم.

## الف) فتح باب

این دوران، دوران تحول حکومت ملی در ایران، از تیموریان در حال اضمحلال (دوره حکومت، ۷۷۱ تا ۹۱۶) به دوره آغازین حکومت صفوی (دوره حکومت ۹۰۷ تا ۱۱۳۵) در ایران است. چنانچه به رأی بسیاری از نویسندگان، و تصریح خود بهاءالدوله در مقدمه خلاصه التجارب (ما در ادامه این مقدمه درباره این کتاب بیشتر توضیح خواهیم داد)، سال شروع به تألیف آن را سال ۹۰۷ بدانیم (خلاصه التجارب، نسخه خطی شماره ۱۰۴ کتابخانه وزیری یزد، نسخه عکسی موجود در کتابخانه

طرح دایره المعارف پزشکی اسلام و ایران، فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، برگ ۱ پشت)، تاریخ تألیف کتاب تقریباً مقارن آغاز حکومت صفوی در ایران، و در ماوراءالنهر هم تنها چهار سال از دوران مهم و البته طولانی ۳۸ ساله حکومت سلطان حسین بایقرا تیموری باقی مانده بود (مرگ در ۹۱۱. نک: حسن تاجبخش، دانشنامه جهان اسلام ذیل مدخل بهاءالدوله رازی). همین تحول از تیموری به صفوی باعث اتفاقات بسیاری در موقعیت علوم در ایران شد. بسیاری از دانشمندان (از جمله همین بهاءالدوله صاحب خلاصه التجارب) دو دوره از حکومت را تجربه کردند (بهاءالدوله هم در دستگاه حسین بایقرا تیموری حضور داشت، هم در دستگاه شاه اسماعیل نک: تاجبخش، ۱۳۷۵ ش، صفحه ۴۸، حیدر زاده، صفحه ۷۷) و بسیاری دیگر نیز جلای وطن کرده و به دیگر مناطق (از جمله هند یا آسیای صغیر) رفتند. حیدرزاده (صفحات ۴۹-۹۴) گزارشی در این باب داده است.



به عنوان مورخی که نزدیک ترین دوره و فاصله زمانی را با بهاءالدوله داراست بر ما روشن نیست. عنوان لقب و کنیه کامل و پدر و پدر بزرگش را بهتر از همه جا در الذریعه (در همان موضع پیش گفته) می توان یافت که به صورت بهاءالدوله ابن امیر کبیر قدوه العلماء شاه قاسم بن عالم میرشمس الدین محمد حسینی نوربخشی ذکر شده است. کم و بیش همین اسم و رسم را عبدالحسین حایری (جلد ۱۹ صفحه ۳۰) نیز ذکر کرده است.

وجود عنوان نوربخش در بخشی از عنوان اسم بهاءالدوله تعلق او را به طریقت نوربخشی یکی از انشقاق های سلسه معروفیه می رساند. این سلسله به عنوان گروهی از اهل تصوف شیعه مذهب پایگاه بسیار قوی به ویژه در خراسان و از جمله در قائن و اطراف آن داشتند. به طوری که بسیاری از نوربخشی هایی که آقا بزرگ تهرانی در جاهای مختلف الذریعه از آن ها یاد کرده عنوان قائنی را نیز با خود دارند. تاجبخش در مواضع مختلف او را نواده سید محمد نوربخش بنیانگذار طریقه نوربخشیه می داند. این سید محمد نوربخش در سال ۷۹۵ در قائن متولد شده و در سال ۸۶۹ نیز در گذشته است. آقا بزرگ تهرانی (الذریعه، جلد ۷، صفحه ۲۱۸) گزارشی از اجداد بهاءالدوله نیز بدست داده است. به نوشته آقا بزرگ اجداد بهاءالدوله با ۱۵ واسطه به حضرت امام موسی بن جعفر (ع) می رسند.

نقل قولهای متعددی درباره تاریخ فوت بهاءالدوله وجود دارد. تاجبخش (۱۳۷۷ ش، صفحه ۶۴۹) بنا به قرائنی برآمده از متن خلاصه التجارب سال تولد او را ۸۶۰ دانسته که ما پیش از این بدان اشاره کردیم. از دیگر سو او خلاصه التجارب را در سال ۹۰۷ در طرشت ری تألیف کرده است. اشاره ای به دوران فوت بهاءالدوله، مربوط به نوشته خواندمیر است که از مواخذہ شدن و

دوره زندگی بهاءالدوله عمدتاً برابر با دوران حکومت شاه اسماعیل (حکومت ۹۰۷ - ۹۳۰) است. دوره ای که امپراتوری صفوی به شدت رو به رشد و عظمت بود و مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی کشور اعلام شده بود. البته حیدر زاده (صفحه ۷۷) بهاءالدوله را بیش از آنکه پزشکی متعلق به دستگاه صفوی بداند از تعلق او به دستگاه حکومتی تیموری سخن رانده است. در حالی که سکونت بهاءالدوله در طرشت ری به هنگام تألیف خلاصه التجارب (بهاءالدوله این موضوع را به تصریح یادآوری کرده است، نک: خلاصه التجارب، نسخه خطی پیش گفته، همان جا) و تعلق او به دستگاه نوربخشی به عنوان طریقتی شیعی روشن می سازد که اگر خود بهاءالدوله تعلق خاطری به دستگاه حکومت صفوی نمی دید همانند گروه دیگری از دانشمندان و پزشکان هم روزگار، همان هائی که حیدر زاده در مقاله پیش گفته خود فهرست مطولی از آن ها را آورده لحظه ای در گریختن درنگ می کرد و به یکی از دو دستگاه سنی مذهب همسایه ایران، هند یا آسیای صغیر مهاجرت می کرد.

### ب) زندگی بهاءالدوله

تاجبخش (۱۳۷۷، صفحه ۶۴۹) نام کامل او را با استناد به دستنویسی از خلاصه التجارب، بهاءالدوله پسر شاه قاسم پسر شمس الدین محمد نوربخشی آورده است. خواند میر (جلد ۴، صفحه ۶۱۲) و به نقل از او نفیسی (جلد ۱، صفحه ۲۷۴) لقب او را بهاءالدین نیز آورده اند، که البته با توجه به تصریح خودش در خلاصه التجارب و گزارش بسیاری از نویسندگان و صاحبان تراجم (از جمله آقا بزرگ تهرانی در الذریعه، جلد ۷، صفحه ۸۳۲) درست نمی نماید. اگر چه علت این اشتباه خواند میر،

نکته مهم در مورد آراء و افکار پزشکی بهاءالدوله، تعلق خاطری است که او به اصحاب تجربه داشته است. در آغاز باب دوم خلاصه التجارب (ما در ادامه این مقدمه فهرستی از این باب ها به دست خواهیم داد) او از تعلق خاطر خود به اصحاب تجربه یاد کرده و به صراحت آورده است که در طب، اصل معالجات تجربه است و باید به تجربه پرداخت. این اصحاب تجربه یکی از انواع سه گانه مکاتب پزشکی (در کنار اصحاب قیاس و اصحاب حیل) هستند که اصالت را در معالجات پزشکی به تجربه و عمل می دهند. براساس همین تعلق خاطر به تجربه است که بهاءالدوله رازی بسیاری از تجربیات خود برای درمان بیماریها را در کتب خود آورده و باز بر همین اساس است که کتاب خود را خلاصه التجارب نامیده است.

### ج) معرفی خلاصه التجارب

خلاصه التجارب یکی از نمونه های جالب متون پزشکی به زبان فارسی، در اندازه حدودی ۳۵۰ هزار کلمه (تاجبخش ۱۳۷۷ ش صفحه ۶۵۰) و در ۲۸ باب تألیف شده است. البته تعداد بابهای این اثر از ۲۲ تا ۲۷ باب نیز برشمرده شده است. علت این خطا احتمالاً ناقص بودن دستنویس هایی بوده که مورد گزارش نسخه شناسان قرار گرفته است (از جمله فهرست نسخ های خطی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران موسوم به فهرست ره آورد، صفحه ۱۸۳-۱۸۸ که تعداد این باب ها را ۲۴ عنوان آورده است). اما به دفعات تعداد باب های این کتاب ۲۸ عنوان ذکر شده است. خلاصه التجارب به ویژه از دید تجربیات پزشکی آن قابل توجه است. در مقام مقایسه، تاجبخش (۱۳۷۷، صفحه ۶۵۰) این کتاب را از نظر اهمیت اصول و فنون پزشکی از ذخیره

"در گذشتن" او سخن رانده و تاجبخش این اشاره را (به درستی) نشان از سیاست شدن و قتل او می داند. و باز خواندمیر نوشته است که بهاءالدوله پس از مرگ حسین بایقرا (در سال ۹۱۱) از هرات به ری آمد، به شاه اسماعیل صفوی پیوست و پس از مدتی فوت نمود. تاجبخش بر این اساس فوت او را حدود ۹۱۵ دانسته است. اما حیدرزاده (صفحه ۷۷) از فوت بهاءالدوله، پس از ۵ سال گذشتن از زمان فوت شاه اسماعیل صفوی (مرگ در سال ۹۳۰) سخن رانده که باید حدود سال ۹۳۵ باشد. در این میان منزوی (۱۳۴۵ ش جلد ۱ صفحه ۵۲۷) سال ۹۲۶ و سید حسین نصر (صفحه ۲۰۵) سال ۹۱۳ را تاریخ مرگ او ذکر نموده اند.

چند گزارش نیز از خانواده و کسان بهاءالدوله وجود دارد. خود بهاءالدوله در خلاصه التجارب از پدرش یاد کرده است و الگود (صفحه ۳۹۸) از شمس الدین، برادر بهاءالدوله که او نیز به پزشکی می پرداخته است یاد کرده است. آقا بزرگ تهرانی (جلد ۹ صفحه ۱۹۵) نیز از شخصی به نام جعفر (یا خواجه جعفر) نوربخش، فرزند سید محمد و برادر شاه قاسم یاد کرده است که دیوانی به نام دیوان جعفر رازی از او باقی مانده است. این فرد احتمالاً عموی بهاءالدوله رازی است.

خواندمیر به چند سفر بهاءالدوله به جاهای مختلف اشاره کرده است و در چند موضع از خلاصه التجارب اشاراتی به سفرهای او به کاشان، اصفهان، هرات، نطنز و استرآباد وجود دارد، اگر چه نمی شود خط سیر این سفرها را به روشنی و بر اساس ترتیب تاریخی روشن نمود. در این سفرها اشاراتی به کارهای عرفانی او نیز وجود دارد، از جمله این موضوع که او در دوران زندگی در هرات و در زمان زندگی حسین بایقرا در خانقاه خواجه افضل الدین کرمانی سکونت داشته است.

جذام و سرما زدگی و سموم زدگی.

در بیان احوال دماغ از ترکیب و وضع و مزاج و غیره و امراض دماغی.

در بیان احوال چشم و عین از ترکیب و وضع و قوت باصره و مزاج و منفعت و آنچه مضر است یا نافع است و امراض عین.

در بیان احوال گوش از ترکیب و وضع و قوت سامعه و امراض گوش و اسباب و علامات و معالجات آن ها.

در بیان احوال بینی از ترکیب و وضع و قوت شامه و امراض بینی و اسباب و علامات و معالجات آن ها.

در احوال دهان از وضع و ترکیب و قوت ذائقه و منافع آن ها و امراض اعضائی که جزء اویند و اسباب و علامات و معالجات آن ها.

در احوال حلق و آلات آواز و دم زدن چون لهات و لوزتین و حنجره و قصبه شش و شش و حجاب از ترکیب و وضع و منافع و امراض این از اسباب و علامات و معالجات آن ها.

در احوال دل از ترکیب و وضع و مزاج و حرکت و علامات امزجه مختلفه و امراض قلبی و معالجات آن ها.

در احوال مری و معده و ثرب و صفاق از ترکیب و وضع و منفعت آن ها و امراض این اعضا و معالجات آن ها.

در بیان بعضی امراض که اکثر اطباء این ممالک تخصیص او را به عضوی معین مناسب ندانسته‌اند و اغلب حکمای هند او را از امراض معدی دانند.

در بیان احوال جگر و مراره و امراض کبدی و مراری و معالجات آن ها.

در احوال سپرز و امراض و معالجات آن.

در احوال روده و امراض امعا و معالجات آن ها.

خوارزمشاهی سید اسماعیل جرجانی پایین تر، اما از دید اصول تجربی حاکم بر آن، از ذخیره خوارزمشاهی بالاتر دانسته است. این تجربیات، و روی هم رفته گزارش هایی که بهاءالدوله در جاهای مختلف خلاصه التجارب از مداوا و دستورات طبی خود یا دیگران داده از جمله نکات مهم این کتاب به شمار می روند و عبدالحسین حائری (جلد ۲۳، صفحه ۱۱۲۶-۱۱۲۷) چند نمونه از این گزارش ها را جمع آوری نموده است. در لابلای خلاصه التجارب نتیجه گیری ها و ژرف اندیشی های بهاءالدوله نیز آمده است (به نقل از تاجبخش، ۱۳۷۷، ش، صفحه ۶۵۰)، از جمله این موضوع که کسانی که یک بار در زندگی آبله می گیرند، به ندرت، مجدداً به این مرض مبتلا می شوند.

عنوان بابهای خلاصه التجارب به شرح زیر است (تاجبخش، ۱۳۷۷، ش، صفحه ۶۵۰ گزارش کوتاهی در مورد تبویب خلاصه التجارب داده، و کمابیش این تبویب بوسیله عبدالحسین حائری، جلد ۲۳ صفحه ۱۲۸-۱۲۹، تکرار شده است):

در بیان آنچه دانستن آن موقوف علیه حفظ صحت و رفع مرض است بر وجه کلی.

در بیان حفظ صحت.

در بیان تدبیر اطفال و پیران و ناقهان و مرتاضان به تعب و اعراض نفسانی و آب های بد و میوه های مضر و استفراغات.

در تدبیر آنچه به زینت بدن متعلق است.

در بیان اقسام مرض و امتسلات مندره به امراض و علامات خیر و شر.

در بیان حمیات و اسباب و علامات و معالجات آن ها.

در بیان حصبه و جذری و سایر بشرها و ورم ها و

((خلاصه)) نامیده و از سوی دیگر در ابتدای باب دوم کتاب، در ابتدای بحث درباره حفظ صحت تمامی اثر کوتاهی از پدر خود درباره حفظ صحت را آورده است (البته خود به صراحت از اینکه این اثر از پدرش می باشد یاد کرده است). بنابر این معمای ما درباره آنکه چرا این کتاب ((خلاصه التجارب)) نامیده شده همچنان باقی است.

از خلاصه التجارب نسخه های خطی بسیاری باقی مانده است. تقریباً در هر یک از کتابخانه های ایران یک یا چند دستنویس از این کتاب وجود دارد. براساس گزارشی که احمد منزوی (۱۳۷۵) ش جلد ۵ صفحه ۳۴۳۱ (تهیه نموده از این کتاب تقریباً ۳۵ دستنویس در ایران و ۲۰ نسخه نیز در خارج از ایران وجود دارد. این کتاب چهار بار در هندوستان به چاپ رسیده و جالب آنکه در هر چهار بار نام مولف آن به نادرستی نه بهاءالدوله رازی، بلکه حکیم علوی خان دهلوی ذکر شده است. تاریخ این چاپ ها عبارت اند از:

دهلی، ۱۲۸۳ق؛ کانپور، لشکور، ۱۲۹۲ق؛ کانپور، لشکور، ۱۳۲۳ق؛ کانپور، لشکور، ۱۳۲۵ق.

در دیگر آثاری که درباره پزشکی ایران در شبه قاره تالیف شده اند این خطا تکرار شده و مولف کتاب، علوی خان دهلوی دانسته شده است (منزوی، ۱۳۸۲ ش، صفحه ۱۳، جلد ۱، صفحه ۵۵۳). از بهاءالدوله رازی کتاب دیگری نیز باقی مانده است به نام هدیه الخیر (یا هدایت الخیر) که شرح چهل حدیث عرفانی است (از این کتاب نسخه های خطی متعددی باقی مانده است نک: تاجبخش، ۱۳۷۷ ش، صفحه ۶۵۱) و رساله وبا و طاعون (منزوی، ۱۳۷۹ ش جلد ۵، صفحه ۳۷۶۰) به قرینه این که در رساله ای راجع به آبله از رساله بهاءالدوله رازی درباره آبله یاد شده می توان به نتیجه رسید که

در بیان امراض مقعده و شرح و معالجات آن ها.  
در احوال گرده و امراض کلی و معالجات آن ها.  
احوال مثانه و امراض وی و معالجات آن ها.  
در احوال آلات تناسل و امراض مخصوص به مردان و معالجات.

در بیان آلات توالد و پستان و امزجه مختلفه رحم و امراض مخصوصه به زنان و معالجات آن ها، دلایل خصوص حمل و تدابیر احوال حوامل و منع حمل.  
در بیان احوال پشت و مفاصل و پای ها و معالجات آن ها.

در بیان سموم و ادویه زیانکار و حیوانات گزنده و تریاقات و خوردن سم ها و داروهای مضر و علاج کسانی که زهری بر ایشان وارد شده به خوردن و غیره.  
در بیان بعضی تراکیب که عمده اند در معالجات و در کتب طبای این ملک نیستند.

در بیان الفاظ غریبه که متعارف اطبا است و تدبیرات بعضی ادویه از طبع و احراق و سحق و تنقیه و پروردن و غسل و کشیدن روغن و گرفتن رب.

واقعیت این است که خلاصه التجارب گذشته از آن که آینه تمام نمای پزشکی اسلامی است و گذشته از آن که واجد بسیاری از تجربیات پزشکی خود مولف است، نشان دهنده کوشش مولف برای به دست دادن کامل یک دوره اصول مبانی و روشهای تجربی پزشکی نیز هست.

دوره کاملی که ناقض عنوان ((خلاصه)) برای کتاب خلاصه التجارب است. آیا این خلاصه واقعاً متن خلاصه شده متنی بزرگتر در پزشکی است؟ در لابلای کتاب چنین چیزی به چشم نمی خورد. اما چرا بهاءالدوله این عنوان را به کتاب داده است؟ او از یک سو کتاب را

در احیاء مفاخر مکتوب دارد، زمینه ای نیز برای گسترش این روش ارزشمند طبابت که اینک مورد اقبال و توجه قرار گرفته می باشد.

دکتر علی اکبر ولایتی

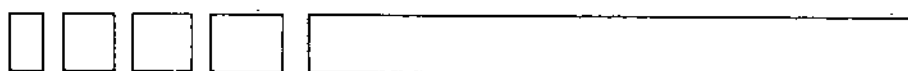
رئیس گروه طب اسلامی - طب سنتی

فرهنگستان علوم پزشکی

بهاءالدوله رازی رساله ای نیز درباره آبله داشته است (برای آگاهی درباره این رساله و دیگر آثار بهاءالدوله نک: منزوی، همان، صفحه ۴۰۸۳).

در این جا بر خود لازم می بینیم از همکاران دانشمندی که به کوشش مؤثر آن ها این اثر فاخر آماده شده تقدیر و تشکر نمایم، چه آنکه تحقیق و تحشیه منابع طب سنتی ایران، علاوه بر آن که نقش به سزایی

# مقدمه تصحیح کنندگان



رویکردی که در سال های اخیر به همت بزرگان این مرز و بوم به دانش علوم پزشکی سنتی ایران شده است، جای بسی تقدیر دارد. پی ریزی و راه اندازی پزشکی و داروسازی سنتی ایران در دانشگاه های علوم پزشکی کشور بخشی از ثمرات و صدقه جاریه آن است. بر همگان است که با تلاش و یاری به وسع خود سهمی در تعالی آن داشته باشند. آثار مکتوب علوم پزشکی سنتی ایران پشتوانه جاودان و گنجینه گرانقدری است که بخش اعظم آن به زبان پارسی، یکی از زبان های علمی دوران تمدن اسلام و ایران نگاشته شده است. در این میان کتاب " خلاصه التجارب « اثر ارزشمند محمد حسین نوربخش فرزند میر قوام الدین معروف به بهاءالدوله رازی که خود را در کتاب « خادم الفقراء المله بهاء الدوله » معرفی می کند، از اهمیت خاصی برخوردار است. شاید بخش اصلی ارزش اثر مربوط به بیان تجربیات علمی این بزرگوار است که به گفته خود « در او ان سنه سبع وتسعماته (۹۰۷ هجری قمری / ۱۵۰۱ هجری شمسی) » نگاشته و کریمانه در اختیار بشر قرار داده است. این حکیم در صورت ذکر تجربیات سایر

دانشمندان به واسطه اخلاق اسلامی، ایرانی و علمی، ایشان را ارجاع داده است. در کتاب بارها از بقراط، جالینوس، رازی (محمد زکریا گوید...)، ابن سینا (شیخ ابوعلی می گوید...)، سید اسماعیل جرجانی (صاحب ذخیره می گوید...)، مولانا عطاء الله طبیب کردستانی، مولانا احمد طبیب قمی، حضرت و نیز از پزشکان هندی مانند جوکی جبالی نام برده شده است. این مطلب نشان دهنده سیر تاریخ دانش بشری است که هر دانشمندی به قدر وسع خود بر آن افزوده است، نه اینکه قومی به یک باره دانش پزشکی را یافت کند، آن را رشد دهد و پس از دوران تاریکی دوباره سردمدار آن شود. این ابی اصیبعه در کتاب عیون الانباء فی طبقات الاطباء ذکر می کند « طب میراث مطلوب همه ی فرزندان آدم (ع) است و هر قومی در این میراث سهمی دارد » و کتاب « خلاصه التجارب « مصداق عینی آن است. جای جای کتاب سرشار است از تجربیات شناسنامه دار و به شکل پرونده پزشکی امروزی شامل سن، جنس، محل سکونت، شرح حال و روش درمان بیماری. در تهیه این مجموعه از نسخه خطی منحصر به فرد

نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی: به نظر می‌رسد که این نسخه حاصل نگارش چندین نسخه نویس و مرکب از اجزای چند نسخه مختلف است. باب‌های چهارم و ششم این نسخه به ترتیب در محرم الحرام سال ۱۲۸۱ و رمضان المبارک سال ۱۲۷۹ هجری قمری و آنگونه که ذکر شده «حسب خواهش الحکماء لامیرزا عبدالله طبیب شیرازی جهت دوست حقیقی الحاج و العمار حاجی میرزا خلیل مازندرانی بجهت فرزند ارجمند میرزا محمدرضا» نگاشته شده است.

نسخه چاپ سنگی: مربوط به سال ۱۲۹۲ هجری قمری (۱۸۹۳ میلادی) که توسط استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمد مهدی اصفهانی انتشار یافته است. در ابتدای این اثر ذکر شده که نسخه در ۲۵ باب است.

در پایان لازم است از زحمات تمام عزیزانی که در تهیه این متن یاری نمودند بخصوص سرکار خانم فاطمه سریدانی که زحمت شکل‌نهایی تایپ را متقبل شده‌اند صمیمانه سپاسگزاری شود. همچنین از آقای دکتر فرید قاسملو و مدیریت امور کتابخانه‌های استان و جناب آقای محمدرضا خاضعی مسئول کتابخانه شهید آیت الله دستغیب کمال تشکر را دارد. امید است استفاده از این مجموعه قلم عفوی بر قصور تصحیح‌کننده‌ها و صدقه جاریه‌ای برای دست‌اندرکاران آن باشد.

کتابخانه شهید دستغیب شیراز که به خط نستعلیق و بر روی کاغذ سفید روغنی، جلد تیماجی و قطع ۲۰×۳۰ در شیراز نسخه برداری شده به عنوان نسخه مبنا استفاده شد. این نسخه در تاریخ اردیبهشت ۱۳۳۵ توسط آقای محمد حسین ناصر معدلی اهدا شده است. بر خلاف سایر نسخ، کتاب با ذکر فهرست باب‌ها شروع و در جای جای کتاب از مطابقت با نسخه‌های دیگر کتاب در حاشیه صفحات ذکر شده است. کتاب کامل و در ۲۸ فصل تنظیم شده است. برای نمونه در فصل هفتم این نسخه، ۲۱ صفحه دستنویس وجود دارد که در سایر نسخ دیده نمی‌شود. کتاب با این جمله پایان می‌پذیرد: «تمام شد کتاب خلاصه التجارب در دارالعلم شیراز جنت طراز».

همچنین از نسخه‌های زیر به عنوان مکمل نسخه شیراز استفاده شد:

نسخه خطی شماره ۱۰۴ کتابخانه وزیری یزد: این نسخه آنگونه که در پایان کتاب ذکر شده به دست ابن مرحوم ملا موسی الرضا میرزا بیدوازی حسب خواهش و فرمایش سرکار شوکت مدار عظمت و جلالت اقتدار مقرب الخاقان و مجالفقرا و الضعفاء قهرمان خانا لازال ظلله الله تعالی و به احتمال به سال ۱۲۹۳ نسخه برداری شده است.